



پنجشنبه ۱۴ دسمبر ۲۰۲۳

انارگل خوستی

آب را گل آلود نمودن و ماهی گرفتن

مثل مشهور است که می گویند "از آب گل آلوده ماهی آسان گرفته می شود".
شخص معلوم الحال هم خودش و هم برادرش چنان مصروف گل آلود نمودن آب هستند که پناه بر خدا.

این دو مبلغ حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم از این وبسایت بی در و دروازه چنان برای منفعت حزبی خود تبلیغات می کنند که آب از آب هم تکان نمی خورد. افسوس و صد افسوس به حال کشور عزیز ما، و هزاران افسوس به خون های ریخته شده مبارزان راه آزادی وطن.
این تفاله های حزب خلق و پرچم به عوض اینکه سر در گریبان نمایند و کلاه خود را پیش روی شان گذاشته و آن را قاضی بسازند که چرا این بد را کرده اند و از مردم طلب بخشش نمایند، صبح و شام مصروف چرند گفتن برای تبرئه شان می باشند.

این شخص فیلسوف و داکتر و نمیدانم دیگر چه، باز هم به صورت درهم و برهم به ترجمه مجله شپیگل آلمانی سی و چهل سال قبل به صورت تحت اللفظی و مطلقاً نامفهوم پرداخته است تا بفکر خودش اعضای حزب نادیموکراتیک خود را تبرئه نماید.

مثلاً در این جا از یک قسمت نوشته وی نقل قول می نمایم:

« زمامداران جهانی، موضعگیری های متفاوت، مافوق اراده و صلاحیت اتباع آنها داشته اند. وقتی هیچ فرد دیگر نقش نداشته است، پس بنابر چه دلیل، افراد مبلغ مشکوک و معلوم الحال، اتباع کشور افغانستان را مسئول دانسته می تواند. وقتی آن قدرت بزرگ، در «تعویض» شخص اول در «حکومت» افغانستان اقدام کرده باشند، به چه وقت و از کدام «اعضای حزب دیموکراتیک خلق افغانستان»، که حال اینک بیش از سه دهه دیگر وجود ندارد، اجازه خواسته اند. در افغانستان افراد مریض و مغرضان مشکوک، از نسل به نسل، دیگر این «تنفر» را علیه «خلق»، «پرچمی»،

بنابر چه دلیل پخش می کنند، وقتی در تناسب قوای بین المللی، تصمیم و قدرت در جای دیگر نهفته است. اینگونه تنفر، تا به کی ادامه خواهد داشت؟»

این شخص کاملاً خود را به کوچۀ حسن چپ می زند و یا همه مردم داغدیۀ افغانستان را و همه کسانی که به ایدیولوژی منفور شدۀ شان همنا نیستند، نادان فکر می کند. برای این آقا باید فهمانده شود که تهداب حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم توسط شوروی و استخبارتش گذاشته شد و همین منفور شدگان تاریخ کشور عزیز ما، توسط سفارت روسیه شوروی تعلیم، تنظیم و تمویل می شدند و این از خدا برگشته گان توسط بادران شوروی سوسیالیستی شان به سازمان ها، گروپ بندی شده و به هر گروپ وظیفۀ منحرف سازی دیگر اتباع افغان داده می شد که با نشان دادن بازار های رنگین توانستند تعدادی را منحرف بسازند که شاید شما ها نیز در جملۀ آن ها باشید.

وقتی این خائنین وطن عزیز که در تمام تظاهرات و هرج و مرج ای که بر پا می کردند سر آغاز گفتار شان به نام لینن کبیر آغاز می شد و ملک شورا ها را حامی ملت های ستمدیده قلمداد می نمودند و آرزو داشتند که افغانستان نیز در جملۀ یکی از جمهوریت های شوروی سوسیالیستی شامل شود، آرزوی شومی که به گور بردند. ستمیکه این خائنین به ملت روا داشتند در تاریخ وطن ما سابقه ندارد.

وقتی این دشمنان وطن و مردم کودتا کردند چه بلا ای نبود که بر سر مردم بیگناه و بی پناه نیاوردند، نمیدانم این آقا چرا خود را به کوچۀ حسن چپ می زند و می گوید که شوروی از حزب نادیموکراتیک خلق اجازه نگرفته است.

چقدر انسان باید دیده درآ باشد و بکوشد خاک در چشم مردم بزند، و برای اغوا نمودن طبقۀ جوان روی کاغذ را به گونه ذیل سیاه نماید. "افراد مریض و مغرضان مشکوک، از نسل به نسل، دیگر این «تنفر» را علیه «خلق»، «پرچمی»، بنابر چه دلیل پخش می کنند".

من کوشیدم تا هم وبسایت های غیر حزبی را متوجه اعمال غرض آلود این تفاله های حزب نادیموکراتیک خ - پ نمایم و هم از نویسندگان محترم را. اما نظر به ملحوظاتی که نزد خود شان است به خواسته این هموطن و مخصوصاً به خاطر خون شهدای گلگون کفن آن مرز و بوم که وطن آبایی همه ما و شماسست و متحمل زخم های زیادی از دست این نا اهل ها شده اند، لیبیک نگفتند.

اما من تا وقتی توان دارم و نوشته هایم نشر شود، در مقابل هر چرند شان چند سطری به خاطر خون های ریخته شده و کشوری برباد داده شده ما که چهل و پنج سال است در آتش می سوزد، تقدیم راه شهدای وطن خواهم نمود.

برای من بی تفاوت است که کی خوش می شود و کی خفه، من فقط وظیفه ایمانی، وجدانی و انسانی خود را انجام میدهم، دشمنی شخصی با هیچ کس و ناکس ندارم.

این پرچمی ها و خلقی های وامانده می توانند شب و روز به من فحش و دشنام دهند و تاپه های رنگ رنگ بزنند و روز شش مقاله و نوشته و هژده نظر در اینجا یا آنجا بنویسند و یکی دو فرد بیکار و بی عار هم آن چرند ها را انتشار دهند. قضاوت منصفانه هم به دوش خواننده که "عقل چهل وزیر" را دارد.

یادداشت استقلال - خپلواکی: اغلاط املائی و انشائی نقل قول به حال خود گذاشته شده اند.